

گفت‌وگوی صمیمانه با آیت‌الله تحریری^۱

موضوع: تربیت عبادی معنوی؛ راهکارها، باید‌ها و نبایدها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: اگر موافق باشید، گفت‌وگو را با تربیت عبادی معنوی و نیز حقیقت و چیستی تربیت آغاز کنیم.

آیت‌الله تحریری: بسم‌الله الرحمن الرحیم. با کمک از ذات اقدس الله و تضرع و توسل به ائمه علیهم‌السلام، در خدمتم و بنده سزاوار این عناوین نیستم و در مسائل تربیتی کمبودهای بسیاری دارم. با این حال، لازم است تجربیات سال‌های حضور در حوزه‌ی علمیه‌ی قم بازگو شود. ان‌شاءالله این مطالب برای همه راه‌گشا باشد. به فرموده‌ی قرآن کریم، یادآوری برای تذکردهنده و دیگران مفید خواهد بود. همه‌ی مؤمنان باید به هدف عالی از دین و ارسال رسولان الهی، به ویژه رسول اکرم ﷺ و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، توجه نمایند. پس از آن، تزکیه و پاک کردن انسان از آلودگی‌های فکری، اخلاقی و عملی می‌باشد که ممکن است در زندگانی دنیایی انسان رخ دهد. باید توجه کرد که هدف از آفرینش عالم و به‌ویژه انسان، ارتباط قلبی و روحی با عالم غیب است. ارتباط قلبی و روحی، با دیدگاه عمیقی که دین به ما می‌دهد، در زندگانی عملی و اخلاقی انسان جلوه‌گر می‌شود. دین ما را هدایت و به داشتن اعتقادات و بینش‌های درست توحیدی دعوت می‌کند تا دریابیم که از چه حقیقتی به این عالم آمده‌ایم و همواره در وجود و کمالات وجودی، به چه حقیقتی متصل هستیم. همچنین سیر وجودمان به چه حقیقتی خواهد بود. این مطالب در مفاد آیه‌ی مبارکه «انا لله و انا الیه راجعون»^۲ خلاصه می‌شود. همه‌ی معارف دین، تفصیل این آیه‌ی مبارک است. ما از جانب کمال مطلق الهی تحقق یافته‌ایم و وجودمان هم به آن کمال مطلق ختم می‌شود.

۱. از شاگردان حضرت آیت‌الله بهجت (ره) و استاد جامعه‌ی المصطفی ﷺ العالمیه.

۲. بقره/۱۵۶.



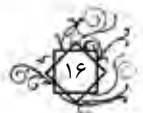
دستورات دینی هم برای وصل کردن مبدأ و منتهی است؛ بنابراین، هدف همه‌ی معارف دین، تربیت معنوی ما می‌باشد تا از نظر فکری تقویت شویم و نظام فکری و اعتقادی درستی داشته باشیم. افزون بر این، اعتقادات مزبور در زندگی عملی ما نمایان و در اوصاف نفسانی ما نمودار شود. دین، دستورات فراوانی در روابط عبادی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارد. روابط انسان به این پنج گونه تقسیم می‌شود که هر کدام انشعابات دارد. اساس این روابط، بر اتصال روح ما به عالم غیب و به تعبیر قرآن کریم، بر رسیدن به حیات طیبه استوار می‌باشد. در این باره، زن و مرد، سیاه و سفید، فارس، ترک و... با یکدیگر یکسان‌اند. خداوند متعال ما را آفرید تا به این حقیقت دست یابیم. خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم؛^۱ ای مؤمنان، خدا و رسولش را اجابت کنید، هنگامی که به سوی آنچه زنده‌تان می‌کند، دعوت می‌نمایند». در آیه‌ی بعدی تضمین می‌کند که بی‌شک، ایمان‌آوردگان و کسانی که عمل صالح انجام دهند - چه مرد و چه زن - به حیات طیبه دست خواهند یافت؛ «من عمل صالحاً من ذکر او اثنی و هو مؤمن فلنحییته حیوة طیبة...»^۲

پس نتیجه می‌گیریم که حیطة‌ی تربیت، گسترده است. تربیت مدنظر اسلام، تنها تربیت بدنی نیست؛ تربیت انسان است. انسان ابعاد گوناگونی دارد: نخست، تربیت اعتقادی است، تا اعتقاداتش براساس نظامی که خویش ترسیم کرده است، شکل بگیرد و سپس در عمل تربیت شود تا اعمال و رفتارش براساس بینش توحیدی، بینش مربوط به معاد و بینش‌های مربوط ظهور یابد و اخلاقیاتش هم به همین ترتیب. افزون بر این، نتیجه می‌گیریم که از دیدگاه دین، شاکله‌ی تربیت انسان، معنوی است. اگر به تربیت جسم هم امر کرده، مقدمه‌ای برای تربیت معنوی است. بدین ترتیب، یکی از جنبه‌های تربیت خاص دین، تربیت عبادی می‌شود تا انسان برای شکل‌گیری تربیت معنوی‌اش در ابعاد مختلف، به عبادت بپردازد.

ادیان مختلفی وجود دارد که بعضی از آنها دچار تحریفات و انحرافات هستند، زیرا تعاریف مختلفی از عبادت ارائه می‌دهند و آن را در زمان، مکان و روزهای ویژه‌ای

۱. انفال/۲۴.

۲. نحل/۹۷.



محصور می‌کنند. در فرهنگ اسلامی، منظور از عبادت چیست؟

آیت‌الله تحریری: در فرهنگ اسلام دو تعبیر وجود دارد: عبودیت و عبادت؛ عبودیت یعنی اظهار بندگی به درگاه خداوند متعال که از اعتقادات توحیدی سرچشمه می‌گیرد و عبادت، اعمال ویژه‌ای است که ماهیت آن، نوعی خضوع به دنبال دارد. عبادت باید با انگیزه‌ی خضوع در برابر خداوند متعال انجام شود. این اصطلاح در همه‌ی ادیان الهی، به ویژه اسلام، وجود دارد، زیرا دین جامعی است. کمال انسان در رابطه‌ی خاضعانه با خداوند متعال شکل می‌گیرد. از دیدگاه اسلام، رابطه‌ی خاضعانه، منحصر به زمان یا مکان خاصی نیست. در دیدگاه اسلام، که منطبق با عقل و دلیل عقلی است، انسان در همه‌ی شئون زندگی با خدا ارتباط دارد و بر این اساس، می‌تواند در هر زمان و مکانی، در پیشگاه پروردگار اظهار کوچکی کند. برای این که بتوانیم به درستی به درگاه خداوند متعال اظهار خضوع نماییم، باید اعمالی با شرایط ویژه انجام دهیم.

همان‌گونه که گفته شد، عبادت در فرهنگ اسلام، اعمال، رفتار خاص و گفتار ویژه‌ای است. بعضی از اعمال، گفتار و حرکات و سکنتات دارد و بعضی دیگر، تنها عمل است و گفتار در آن وجود ندارد، مانند روزه؛ ما موظفیم که در زمان خاصی روزه بگیریم و از انجام این کار، نیت ویژه‌ای داشته باشیم. نماز یکی دیگر از این اعمال است که مقدماتی دارد، مانند وضو، تیمم یا غسل و شامل حرکات و سکنتاتی مانند قیام، رکوع و سجده می‌شود. همچنین گفتار و نیتی دارد. عبادت از دیدگاه اسلام، تنها فردی نیست. خمس، که عملی مالی است، عبادت به شمار می‌رود. یکی دیگر از عبادات، حج است که شخص در شرایط خاصی باید به کنار خانه‌ی خدا برود و آدابی به جای آورد. حج جنبه‌ی قلبی دارد و نیز استفاده‌ی روحی. از سوی دیگر، رابطه‌ی اجتماعی مسلمانان با یکدیگر را برقرار می‌سازد. در فرهنگ اسلام، ماهیت عبادت، اظهار خضوع به درگاه خداوند متعال است که در شئون گوناگون رخ می‌نماید. البته عمل در هر شأن، انسان را از شأن دیگر بی‌نیاز نمی‌کند؛ اگر کسی نماز بخواند، از پرداخت خمس بی‌نیاز نمی‌شود. اگر خمس یا زکات بر گردنش واجب شود یا حج برود، لازم است نماز هم بخواند. هر عبادت جایگاه ویژه‌ای دارد. از سوی دیگر، هم جنبه‌ی فردی دارد، هم جنبه‌ی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.



اردابی: تعابیر اشتباهی از معنویت ارائه می‌شود و حتی برخی، آن را چندان با عبادت مرتبط نمی‌دانند. آیا معنویت در فرهنگ اسلام تعریف خاصی دارد؟ آیا ارتباط تنگاتنگی میان معنویت و عبادت به چشم می‌خورد؟

آیت‌الله تحریری: همان‌گونه که بیان کردم، اسلام از معارفی بهره‌مند است که تنها به این دین الهی اختصاص دارد و آن را از هیچ مکتبی نگرفته است. معارف اسلامی براساس ساختمان وجود انسان می‌باشد و در نظر دارد ساختمان وجود انسان را به کمال مطلوب برساند. رشد واقعی انسان در گرو سلامت روحی است. از این رو، برای رشد واقعی، لازم است اعتقادات سالمی داشته و از نظر اخلاقی، خانوادگی، اجتماعی، حقوقی و... نیز مطلوب باشد. همه‌ی این رفتارها بر اساس قالب‌هایی می‌باشد که از جانب خداوند متعال مشخص شده است که آن را قوانین می‌نامیم. از سوی دیگر، روح انسان با اعمال وی ارتباط دارد؛ نمی‌توان گفت که روح پرورش یابد، بدون این که اعمال متناسب با پرورش روحی انجام شود. چگونه امکان دارد که به خدا اظهار محبت نماییم، بدون این که عملی متناسب با این محبت و اظهار خضوع از خویش بروز دهیم؟! این جز دسیسه و فریب خویشتن، معنای دیگری ندارد. از سویی، نمی‌توان تمایلات معنوی و روحی انسان را منکر شد و از سوی دیگر، می‌خواهیم این تمایلات به راحتی نمایان شود و ابعاد حیوانی‌مان را آزادانه گسترش دهیم. اسلام می‌خواهد همه‌ی انسان‌ها الهی شوند. از این رو، دستورات کوچکی و بزرگی داده است؛ برای نمونه، می‌فرماید بخور، ولی در ادامه تأکید می‌کند که خوردن تو مانند گیاهان و حیوانات نیست و باید از خوردنت، بهره‌ی معنوی و روحی ببری؛ «... و کلوا واشربوا و لاتسرفوا»^۱ و «یا ایها الرسول کلوا من الطیبات و اعملوا صالحا؛^۲ ای پیامبران، از امور پاکیزه بخورید...». خداوند امور پاکیزه را برای پیامبران و مؤمنان آفرید و روش آنها را مشخص فرموده است؛ خداوند حیوان پاکیزه را معین کرده است: گوسفند را به گونه‌ای سر بُر تا پاکیزه شود، قوای جنسی خود را پاکیزه به کار ببر و... همه‌ی این موارد براساس پاکیزگی است؛ بنابراین، معنویت در فرهنگ اسلام، واژه‌ی خاصی است که سبب پرورش روح می‌شود.

۱. اعراف/۳۱.
۲. مؤمنون/۵۱.



ردایه: چگونه می‌توان تربیت عبادی معنوی را در طلاب نهادینه کرد؟

آیت‌الله تحریری: باید در آموزه‌های دین دقت کنیم. تعالیم دین نیز با توجه به شالوده‌ی وجود انسان نازل شده است. انسان ابعاد مادی و معنوی دارد. ما نیز برای تدوین نظام تربیتی عبادی باید کارهای روزمره را در نظر بگیریم؛ کاسبی، دانش‌اندوزی و... باید حلال و درست باشد. طلبه‌ای که در حال یادگیری معارف دین است، باید بداند که از ابتدا با دین خدا ارتباط دارد و یادش نرود که اگر ادبیات منطق، فلسفه و... می‌خواند، مقدمه‌ای برای ارتباط با خداست. لازم است این مفاهیم را به طلبه آموزش دهیم و طلبه هم بداند که دین، تعلیم را مقدمه‌ای برای تزکیه می‌داند. اگر تلاوت پیامبر هم با تزکیه همراه نباشد، درست نخواهد بود. تلاوت رسول، طبق خواسته‌ی خدا می‌باشد و هوای نفس خویش را در اختیار خدا قرار داده است. از سوی دیگر، تعلیم باید همراه تربیت باشد و تعلیم استاد و تعلم طلبه از تزکیه جدا نشود. لازم است تزکیه همراه با یادگیری و هم‌زمان باشد. اگر از دانش‌اندوزی، قصد خدایی نداشته باشیم، تعلیم، دینی نخواهد بود. هنگامی که هدفمان، همراهی ارتباط معنوی با درس و بحث باشد، باید اخلاص داشته باشیم و از گناه بپرهیزیم. تدریس استاد نیز عاری از گناه باشد. اگر استاد بخواهد معارف الهی را یاد دهد، دیگر تعیین قیمت نمی‌کند و درسش همراه با توکل خواهد بود. توجه به اولیای الهی و توجه و توسل به ائمه‌ی معصوم علیهم‌السلام باید از آغاز مدنظر ما قرار گیرد. بدین ترتیب، طلبه باید با خدای متعال ارتباط دعایی داشته باشد. از ابتدا باید با اهل بیت علیهم‌السلام ارتباط داشت و از آنان استعانت جست. از این‌رو، باید ساعاتی برای عبادت و اظهار خضوع به درگاه خداوند متعال در نظر گرفت. البته لازم است در این راه، ابتداء، توجه شود؛ برای نمونه، باید نماز را اول وقت بخواند و تا جایی که امکان دارد، به جماعت باشد. ارتباط قرآنی با خداوند نیز ضروری به نظر می‌رسد؛ باید کلام خدا را بفهمیم، زیرا اساس ارتباط با معارف دین به شمار می‌رود. از آغاز طلبگی باید با احادیث اهل بیت علیهم‌السلام ارتباط داشته باشیم. به همین دلیل، باید شناسایی اصول عبادی و تربیتی، عمل به آن، التزام به واجبات و پرهیز از محرّمات را مدنظر قرار دهیم. از سوی دیگر، لازم است به مستحبات هم پایبند باشد تا ارتباط طلبگی قوی‌تر شود.

ادبیت : به چند نمونه از تربیت عبادی معنوی اشاره بفرمایید.

آیت‌الله تحریری: زندگی در این دنیا، همراه بودن شرایط با موانع است. هر کمالی، موانع ویژه‌ای دارد که نباید از آن غفلت کنیم. به فرموده‌ی خداوند یکی از موانع بیرونی انسان، شیطان است. یکی از موانع درونی انسان هم هواهای نفسانی می‌باشد. شیطان و هواهای نفسانی جلوه‌گری‌های مختلفی برای انسان‌ها دارند؛ گاهی می‌خواهند انگیزه‌های انسان را غیرالهی نمایند. از این رو، یکی از موانع مهم، سست شدن و غیر الاهی شدن انگیزه‌های انسان در مسیر تعلیم و تعلم است. یکی دیگر از موارد، راحت‌طلبی می‌باشد؛ انسان دوست دارد به کمالات برسد. اگر دستیابی به کمالات به راحتی انجام پذیرد، بهتر است. به همین دلیل، در برابر راحت‌طلبی، به جهاد سفارش شده‌ایم؛ جهاد با نفس و راحت‌طلبی. یکی از موانع دیگری که در سر راه انسان سبز می‌شود، جلوه‌گری‌های دنیا است؛ دنیا برای همه جلوه‌گری دارد و جلوه‌گری‌اش برای ما طلبه‌ها ویژه است؛ گاهی، انسان به سوی ریاست‌طلبی، زمانی به سوی شهرت، گاهی به سوی عزت یافتن و برخی اوقات به سوی مال‌اندوزی می‌رود. هر یک از این موانع ممکن است بر اساس ضعف‌های هر کس، در وی پدیدار شود.

ادبیت : لطفاً به یکی از الگوهای مطلوب تربیت عبادی معنوی نیز اشاره فرمایید.

آیت‌الله تحریری: یکی از مسائلی که در فرهنگ دین وجود دارد، معرفی الگوهاست. الگوهای خوب، به وفور در قرآن آمده است. انبیا و اولیا از بزرگ‌ترین الگوها هستند. معرفی الگوهای مثبت سبب ترغیب ما می‌شود. البته در دنیا و نظام طلبگی و در تعلیم و تعلم، الگوهای منفی هم داریم. افرادی که دچار انحراف فکری، انحراف اخلاقی و انحراف عملی گردند، باید معرفی شوند. پس باید، همواره، هشیار و در رفتارهای خود به این آسیب توجه داشته باشیم تا این آسیب‌ها در ما ایجاد نشود و مبادا در مسیر اشتباه قرار بگیریم.

ادبیت : در تربیت عبادی معنوی، می‌توانیم اهداف میانی و نهایی در نظر بگیریم. به

نظر شما، هدف غایی و نهایی چیست؟ انسان، سرانجام، می‌خواهد به کجا برسد؟

آیت‌الله تحریری: قرآن کریم هدف نهایی را قرب الاهی برشمرده است. همگان می‌توانند

به خدا نزدیک شوند. با این حال، برای کسانی که از نظر علمی بالاتر و با این مفاهیم بیش‌تر انس دارند، زمینه‌های بیش‌تری به نظر می‌رسد، زیرا می‌توانند آن هدف را دقیق‌تر درک کنند، راه دستیابی به آن هدف را به یکدیگر بفهمانند و با تضرع به درگاه الهی و اهل بیت علیهم‌السلام، راه رسیدن به آن هدف را بیابند. این نکات در نظام طلبگی بیش‌تر میسر است. از سوی دیگر، هر کس در این باره به هر درجه‌ای از تقرب نائل شود، نیکوست. انسان باید از اعتقادات درستی برخوردار شود و اخلاقیات مناسبی داشته باشد. همچنین از اعمال و رفتار درستی بهره‌مند باشد. اینها، در حقیقت، اهداف میانی به شمار می‌روند. هدف غایی، رسیدن به قرب و رضوان خاص الهی است که فرمود: «و رضوان من الله اکبر»^۱.

ادله: آیا تنبیه و تشویق در تربیت عبادی معنوی جایگاهی دارد؟

آیت‌الله تحریری: بی‌شک، این‌گونه است. باید به قرآن کریم رجوع کنیم و دریابیم که قرآن کریم برای این که انسان، همواره، در جهت خوب قرار بگیرد، آثار خوبی بر اعمال، بینش‌ها و اخلاق درست انسانی مترتب کرده است. پاداش‌هایی که خداوند وعده داده، برای مؤمنان است؛ چه در دنیا و چه در آخرت. این پاداش‌ها نمودارهایی از تشویق‌های خدا به شمار می‌رود و در برابر وعیدهایی می‌باشد که خدا به انسان‌ها داده است و پس از فهمیدن بینش حق و راه درست، حرکت به سوی هدف نهایی و اخلاق حمیده بر انسان مترتب شود. پس از این که فهمید، اگر نرفت، به چه آثار سویی دچار می‌شود. اینها نمودارهایی از تنبیهات و هشدارهایی برای انسان‌هاست. به ویژه مؤمنان و کسانی که از نزدیک با این تعالیم آشنایند و همواره این تشویق‌ها و تنبیهات به گوش و چشمشان می‌خورد، باید توجه داشته باشند که این تشویقات و تنبیهات، حقیقی است. از این رو، مسئولان باید دانش‌پژوهان را با تشویقات و تنبیهات مناسب هدایت کنند و تنبه بدهند. این روند، بی‌شک، کارساز خواهد بود.

ادله: بعضی از طلبه‌ها و روحانیون، «خوب» نامیده می‌شوند؛ آیا طلبه‌ی خوب شدن معیار مشخصی دارد؟

آیت‌الله تحریری: با بیاناتی که عرض کردیم، طلبه‌ی خوب، هدف را می‌شناسد و



هدفمند حرکت می‌کند. همچنین هدف مذکور را در رفتارهای گوناگون خویش در نظر می‌گیرد. از سوی دیگر، اهتمام ویژه‌ای به فراگیری علوم قرآن و سنت دارد. از نظر رفتاری هم می‌کوشد که سیره‌ی خوب مؤمنان را در زندگی عبادی، دوستانه و خانوادگی و سپس در زندگانی اجتماعی‌اش اجرا نماید.

راه‌نما: اگر نکته‌ی خاصی به ذهن حضرت عالی می‌رسد که نپرسیدیم، بیان فرمایید. آیت‌الله تحریری: البته پرسش‌های جامعی بیان کردید. بنده تلاش کردم پاسخ‌های جامع و کلی خدمتان بگویم. هریک از پاسخ‌ها در جای مناسب می‌تواند توضیحاتی داشته باشد. از خداوند متعال، همواره، می‌خواهیم که ما را در مسیر نورانی فراگیری معارف قرآن و سنت و اجرای آن تأیید کند و ثابت‌قدم بدارد. باید، همواره، با ثبات قدم، در مسیر درست تعلیم و تعلم گام برداریم و توفیق در این راه را از خدای متعال و اولیایش بخواهیم. ان‌شاءالله خداوند متعال، همواره، دستگیر و راهنمای ما در این مسیر باشد، کمبودهای ما را در شئون گوناگون برطرف کند و راه‌های پیشرفت بیش‌تر را پیش‌روی ما قرار دهد.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی